

مفهوم وحدت در کثرت از دیدگاه آئین بهائی

فرح دوستدار

واژه "وحدت در کثرت" از مفاهیم جدیدی است که در سال‌های اخیر به عنوان آرمان یا انگیزه‌ای جمعی مورد استفاده مراجع گوناگونی قرار گرفته. اتّحادیّه اروپا از سال ۲۰۰۰ میلادی نماد یا سمبل خود را "وحدت در کثرت" اعلام نمود. با این هدف که چگونه می‌توان غنای فرهنگی کشورهای مختلف اروپا را حفظ کرد و با وجود آن به وحدت و یگانگی رسید.

نمونه دیگری که از آن بسیار صحبت می‌شود کشور هندوستان است که در آن به ۱۶۵۰ زبان مختلف صحبت می‌شود و ادیان بسیاری با آزادی در کنار هم زندگی می‌کنند و با وجود تمام گوناگونی‌ها توانسته وحدت خود را حفظ کند. پدیده "وحدت در کثرت" آنگونه که در هندوستان به تحقیق پیوسته در برخی از دانشگاه‌های جهان به عنوان بخشی از دروس علوم اجتماعی تدریس می‌شود. در کشورهایی که تاکنون آزادی عقیده و مذهب شناخته نشده نیز در سال‌های اخیر گروهی از متفکرین مسیحی و اسلامی با تکیه به اصل وحدت در کثرت خواهان آشتی و اتّحاد ادیان و فرقه‌ها و سایر مکتب‌های گوناگون فکری در جوامعشان شده‌اند، خصوصاً گروه‌هایی که تاکنون باهم در اختلاف و جنگ و ستیز بوده‌اند.

دموکراسی‌های لیبرال Western Liberalism که آنها را جوامع پلورالیستی Pluralistic نیز می‌نامند مثال غربی زنده دیگری هستند. در این سیستم‌ها با وجود آن که بین علائق مختلف و گروه‌ها و احزاب گوناگون اختلافات فاحش موجود است ولی ساختار نظام به گونه‌ای است که وحدت ملی و منافع همگانی حفظ می‌گردد.

در تعالیم بهائی اصل وحدت مفهومی کلیدی و به فرموده حضرت ولی امرالله سنگ بنای نظام آینده جهان و "مقصد اصلی و غائی و وجه ممیزه" این آئین است (۱). مقصود از وحدت در آثار بهائی یکنواخت و یک شکل شدن آحاد اجتماع یعنی افراد و یا گروه‌ها نیست بلکه وحدت در کثرت است.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

«در هر ظهوری که اشراق صبح هُدی شد موضوع آن اشراق امری از امور بود... اما در این دور بدیع و قرن جلیل اساس دین الله و موضوع شریعت الله رأفت کبری و رحمت عظمی و الفت با جمیع ملل و صداقت و امانت و مهربانی صمیمی قلبی با جمیع طوائف و نحل و اعلان وحدت عالم انسان است...» (۲)

این مقاله ابتدا نگاهی به جنبه‌های مختلف مفهوم وحدت در کثرت و تحولات آن در مسیر تاریخ انداخته و سپس نحوه اجرای آن را در سیستم‌های پلورالیستی، در برابر دیدگاه آئین بهائی قرار می‌دهد. برداشت کشورهای دموکراتیک پلورالیستی Democratic Pluralism از اصل وحدت در کثرت از دیدگاه بهائی نیازمند تحوّل عمیق و بنیادین است.

اتّحاد، وحدت، کثرت

مفهوم وحدت گرچه در بسیاری از موارد با مفهوم اتّحاد مترادف است ولی در عین حال بین آن دو تفاوت‌هایی موجود است:

وحدت Oneness:

- ۱- به عنوان مصدر به معنی یکی بودن، یگانه بودن در مقابل کثرت قرار دارد.
- ۲- به عنوان اسم به معنی یگانگی است. وحدت می‌تواند قراردادی باشد مانند وحدت مرام یعنی اشتراک گروهی در یک مرام و مقصد. وحدت ملّی به معنی اشتراک همه افراد یک ملّت در آمال و مقاصد است چنان‌که به منزله مجموعه واحدی به شمار آیند.

اتّحاد Unity:

- ۱- (مصدر) به هم نزدیک شدن، هماهنگ شدن یک دل و یک جهت شدن.
- ۲- (اسم) یک رنگی، یگانگی، یک دلی، یک جهتی. اتّحاد بیشتر بار احساسی و عاطفی دارد.

دو مفهوم وحدت و اتحاد به یکدیگر نزدیکند و مرز بین آنها گاهی نامشخص است به این معنی که یکی به جای دیگری به کار برده می‌شود.

واژه وحدت مقابل یا متضاد کثرت است از این رو جای تعجب نیست که بین آن دو تنش و تضاد وجود داشته باشد.

"وحدت در کثرت" پدیده‌ای مدرن است. در جوامع سنتی وحدت که شرط بقا و نظم جامعه است به وسیله "سلطه و تحکّم قوی بر ضعیف" ممکن می‌گردد. راه رسیدن به این سلطه و حکمرانی "مبارزه و پیروزی" است.

تحکّم و برتری جوئی بر تمام ابعاد جامعه سنتی حکمفرماست: اساس خانواده سنتی بر تحکّم و چیرگی مرد بر زن و فرزندان است. در تمام سطوح اجتماع و در بین اقوام و قبیله‌ها و ملت‌ها و روابط بین ممالک نیز تحکّم قوی بر ضعیف حکمفرماست. در سطح جهانی لازمه حکمرانی سنتی جبر و خشونت است که می‌تواند به صورت استثمار یعنی تسلط و بهره‌برداری کشورهای قوی از ممالک ضعیف‌تر باشد و یا در بدترین حالت به وسیله حمله نظامی و جنگ.

روش مدرن رسیدن به نظم و ثبات در جامعه "وحدت در کثرت است" که از طریق "معامله، مذاکره، قرارداد" و بدون خشونت و از راه‌های صلح آمیز امکان پذیر می‌شود.

وحدت و کثرت در گذر تاریخ

گذار از روش سنتی به رویه مدرن را به بهترین وجه می‌توان در روابط کشورهای اروپای غربی مشاهده نمود. مسئله اتحاد در اروپا پیشینه تاریخی دارد. هدف غائی ناپلئون تسخیر تمام کشورهای اروپا و ایجاد وحدتی اروپائی بود. هیتلر نیز به گمان خود چنین قصدی داشت و این آرزوها عاقبت در زیر خاکستر جنگ مدفون شد و تفکر جدیدی از این راه پر درد و الم متولد گردید که امروزه اروپائیان با شعار وحدت در کثرت به آن افتخار می‌کنند.

در جوامع عهد عتیق و قرون وسطی مفهومی تحت عنوان کثرت مطرح نیست با وجود آن که گوناگونی یکی از خصائص طبیعت است. در عالم جماد و گیاه و حیوان گوناگونی انواع، لازمه بقای طبیعت است. انسان‌ها نیز از نظر ترکیب بیولوژیکی و ژنتیکی و همچنین محیطی که در آن رشد کرده و تربیت شده‌اند مختلفند و در نتیجه برداشت‌ها و باورهایشان نیز با هم تفاوت دارد. این

گوناگونی در مورد جوامع و نژادها و اقوام و ممالک و حکومت‌ها نیز صادق است. شرایط محیط زیست و روال تکاملی فرهنگ‌ها آنها را با یکدیگر متفاوت می‌سازد.

شواهد تاریخی که در دست است نشان می‌دهد که متفکرین از دوران عهد عتیق به گوناگونی یا کثرت آگاهی داشتند به طور نمونه هرودوت Herodotus که او را پدر تاریخ‌نگاری می‌نامند، از اقوام و فرهنگ‌های شناخته شدهٔ زمان خود می‌نویسد و یا گفتگوهای سقراط که در کوچه و بازار می‌رفته و نظر مردم را در مسائل مختلف جویا شده و با آنها محاوره می‌کرده. آثار باقیمانده فلاسفه یونان (فلسفه تا چند قرن اخیر مجموعه تمام علم‌ها بود) نشان می‌دهد که در آن زمان نیز نظریه‌های علمی و فلسفی و سیاسی گوناگونی موجود بوده ولی نظر به کمی ارتباطات و کوچک بودن اجتماعات کثرت عقاید و علائق مشکلی ایجاد نمی‌نمود.

یکی از خصوصیات اصلی نظام عهد عتیق این است که کثرت در تحت وحدت قرار دارد و در آن حلّ می‌گردد. واقعیتی به نام فردیت و موجودیت انسان‌ها به عنوان کوچکترین واحد اجتماع که دارای حقّ و ارزشند، آن گونه که امروز مورد بحث است در آن زمان هنوز مطرح نبود. ارسطو از فلاسفه شهیر عهد عتیق، نظام جهان را که از کهکشان‌ها تا سطوح پائین اجتماع را در بر می‌گیرد، نظامی ثابت و ابدی می‌داند که در آن انسان‌ها به عنوان زن یا مرد، برده یا آقا، زمامدار یا فرمانبردارند، هر یک جای ثابت و تغییرناپذیر خود را دارند، وحدت یا هماهنگی به این معنی است که افراد تابع نظام حاکم باشند. تکامل به این معنی است که به طور مثال برده، یک بردهٔ خوب و کامل شود. در روابط بین اقوام و کشورها نیز ضعیف‌تر ناچار است خود را در تحت حاکمیت قوی‌تر قرار دهد. جنگ‌های بی‌شمار تاریخ گواهی است بر این مطلب. در قرون وسطی نیز نظام اجتماع در غرب مانند عهد عتیق باقی می‌ماند با این تفاوت که کلیسای کاتولیک رُم در رأس نظام قرار دارد.

نظریه وحدت در کثرت ابتداء در قرن ۱۷ میلادی به وسیله فیلسوف آلمانی لایبنیتز G. W. Leibniz عنوان می‌گردد. او که در تمام علوم آن زمان تبخّر داشت، ابتداء در علم فیزیک و نجوم نظریه وحدت در کثرت را مطرح می‌کند. لایبنیتز فرض را بر این می‌گیرد که هستی و وجود از واحدهای کثیری تشکیل شده که در کمال هماهنگی باهم ترکیب گشته و خلقت را به صورت هماهنگ به وجود آورده‌اند. او این طرز فکر را به علوم مختلف و در انتها به موقعیت فرهنگی و

سیاسی اروپا انتقال می‌دهد و عقیده دارد که کثرت فرهنگی‌ها و اقوام گوناگون اروپا هنگامی به هارمونی Harmony یعنی هماهنگی و آرامش منتهی می‌شود که در این کثرت وحدتی ایجاد گردد.

انتخاب آرمان "وحدت در کثرت" به وسیله اتحادیه اروپا نیز بر پایه نظریات همین فیلسوف قرار دارد. در سال ۲۰۰۰ اتحادیه اروپا در جستجوی آرم مناسبی برای اروپا مسابقه‌ای را در بین دانش آموزان مطرح می‌کند و در بین جواب‌های رسیده عنوان "وحدت در کثرت" که دانش آموزی با تکیه بر نظریه لاپینیتز آن را پیشنهاد کرده بود برنده شده و به عنوان آرم اروپا انتخاب می‌شود.

مسئله شناخت فرد به عنوان انسانی مستقل و از نظر حقوقی برابر با دیگر انسان‌ها نیز در همین زمان یعنی اواسط قرن ۱۷ میلادی به وسیله جان لاک John Locke متفکر انگلیسی که با لاپینیتز همزمان بوده عنوان می‌گردد. حقوق و آزادی‌های فردی بعدها یکی از خواسته‌های محوری ایدئولوژی لیبرال یا لیبرالیسم می‌شود.

از این زمان به بعد مسئله فردیت انسان‌ها به این معنی که هر انسانی دارای خصائص، عقاید و باورهای مخصوص به خود است و همچنین کثرت و گوناگونی در اجتماع به عنوان یک واقعیت مطرح شده و در طول قرن‌های پس از آن رفته رفته به عنوان واقعیتی اجتماعی پذیرفته می‌شود. به این معنی که ابتداء طبقه اشراف و سطح بالای اجتماع در برابر زمامداران ادعای حقوق شهروندی و شرکت در زمامداری و تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی را می‌کنند. سپس فرقه‌های مختلف مسیحی در برابر رهبری مقتدرانه و مرکزی کلیسای کاتولیک در رُم خواهان حق رسمیت و آزادی اجرای مراسم دینی خود می‌شوند.

با آغاز انقلاب صنعتی و در اثر وخامت وضعیت کارگران، جنبش‌های کارگری شکل گرفته و خواهان حقوق و ارزش برابر کارگران می‌گردند. این قیام منجر به اندیشه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم و سپس کمونیسم در اروپا شده و در زمان انقلاب فرانسه، در دهه آخر قرن ۱۸ میلادی اولین متن اعلامیه حقوق بشر انتشار می‌یابد.

در قرن ۱۹ میلادی کثرت‌گرایی در سه زمینه فرم می‌گیرد: فردی، اجتماعی و ملی. در زمینه موجودیت و حقوق فرد، جنبش لیبرالیسم خواهان آزادی‌های حقوقی فرد و حفاظت این آزادی‌ها از

دستبرد رهبران سیاسی و دینی است. در این قرن است که قانون بردگی لغو شده و جنبش‌های آزادی‌خواهی زنان آغاز می‌شود.

در زمینه اجتماعی و سیاسی جنبش‌های گوناگون منجر به تقسیم جامعه به گروه‌های مختلف سیاسی گشته که هر یک خواهان حق و حقوق خود هستند. در سطح بالای جامعه شاهد تشکیل ملت‌ها و در اصطلاح علمی (Building Nation) هستیم.

در قرن ۱۹ میلادی تا اواسط قرن بیستم، جوامع اروپا از گروه‌های متخاصمی تشکیل شده‌اند که هر یک خواهان برتری و تسلط بر دیگری است: لیبرال‌ها، محافظه‌گران و سوسیالیست‌ها. در این مرحله از تاریخ، بیش از هر زمان دیگری تنش‌ها و تناقض‌های دو نیروی متضاد وحدت و کثرت نمایان شده و ابعاد مخرب‌تری پیدا می‌کنند. نظام سنتی قرون وسطی که بر پایه فرضیات ارسطو و بر اساس برداشت‌های کلیسای رُم شکل یافته بود اعتبار خود را از دست داده و دیگر قادر نیست احتیاجات زمان را برآورده کند. نیاز به نیروی متحدکننده جدیدی از هر سو احساس می‌شود.

رهبران سیاسی و دینی سعی می‌کنند به وسائل مختلف آزادی‌های فردی را سرکوب کرده و به این وسیله انسجام و وحدت جامعه را حفظ کنند. تشکیل اجتماعات در این دوران ممنوع است گروه‌های سیاسی و اجتماعی به طور سری گردهم می‌آیند. رهبران سیاسی تشکیل انجمن‌ها یا احزاب را مخلّ آرامش و نظم و وحدت جامعه می‌دانند. ملیت‌گرایی یا ناسیونالیسم Nationalism مهم‌ترین عامل بقا و وحدت در این قرن است.

عامل دیگری که این تنش را تشدید می‌کند، انتقال نظریه داروین در مورد "تنازع بقا" و "بقای اصلح" به اجتماع و روابط بین‌المللی است که در اواخر قرن ۱۹ منجر به میلیتاریسم Militarism یا نظامی‌گری می‌شود. به این معنی که توان ارتشی سرچشمه و منبع همه امنیت‌ها است. این باور که "آشتی تنها از راه توانمندی نظامی" میسر می‌شود و برتری نظامی بهترین یا تنها راه دستیابی به صلح است، قوت گرفته و تولید سلاح‌های جنگی به نحو سرسام‌آوری افزایش می‌یابد. این نظریه تا به امروز با قوت تمام بر روابط بین‌المللی حکمفرماست.

شکاف‌های اجتماعی و بی‌اعتبار شدن نظام قرون وسطی مسئله "وحدت" یا همبستگی و انسجام جامعه را در نیمه اول قرن بیستم دچار بحران می‌سازد. اروپا نیازمند نوع جدیدی از زمامداری است. برخی از مورّخین روی کار آمدن رژیم‌های تمامیت‌خواه یا توتالیترین

Totalitarian مانند فاشیسم Fascism در ایتالیا، ناسیونال سوسیالیسم National Socialism در آلمان و استالینیسم Stalinism در روسیه را نتیجه این بحران وحدت و انسجام جامعه می‌دانند. هدف سیستم‌های تمامیت خواه تنها یک حکومت دیکتاتوری نیست بلکه هدایت و کنترل رفتار و حتی احساسات فرد انسان‌ها است. سران آنها یعنی موسولینی، هیتلر یا استالین ادعا می‌کردند که به وسیلهٔ تعلیم و تربیت می‌توانند انسان مورد نظر خود را خلق کنند. کارل پوپر Karl R. Popper فیلسوف معروف اطریشی - انگلیسی که کتاب معروف او تحت عنوان "جامعهٔ باز" (۳) معروفیت جهانی دارد، بر این عقیده است که رژیم‌های تمامیت خواه یا توتالیتریسم قرن بیستم دردهای تولد دنیای آزاد و دموکراتیک هستند.

بحران زمامداری و تنش بین وحدت در کثرت را اروپا توانست پس از جنگ جهانی دوم با تأسیس حکومت‌های لیبرال دموکرات تا حدّ زیادی برطرف سازد. با ادغام اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر در قانون اساسی، کشورهای غربی توانستند حقوق افراد و گروه‌های دینی و سیاسی را به وسیله قانون حفظ کنند. انتخابات آزاد و سیستم پارلمانی یعنی واگذاری قوهٔ قانون‌گذاری به مجلس که اعضایش نمایندگان مردمند و همراه با تدابیر و راهکارهای دیگر ثبات و انسجام این جوامع را تضمین می‌کند. جوامع دموکراتیک غربی را دموکراسی پلورالیسم Democratic Pluralism یا کثرت‌گرا می‌نامند.

با گسترش جوامع و ایجاد ارتباط گسترده در میان آنها از سوئی، و شدت گرفتن جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی و نتایج ویرانگر و خانمانسوز آنها از سوی دیگر، این تفکر قوت گرفت که مذاهب و عقاید دیگران را باید پذیرفت و با آنها از در آشتی درآمد، زیرا نفع جامعهٔ انسانی در سازگاری ادیان گوناگون، احزاب و مکاتب مختلف فکری با یکدیگر است.

مبنای پلورالیسم در بُعد عملی همزیستی مسالمت‌آمیز است. لذا توصیه می‌کند که کثرت‌های موجود در جامعه به جای تنازع و اصطکاک با یکدیگر، نیروی خود را صرف خودسازی درونی نمایند و بایکدیگر به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند. پذیرش تنوع علایق و اعتقادات شهروندان یکی از ویژگی‌های حکومت مردم سالار است. در این روند به وسیله برخورد و گفتگو، گروه‌ها یا نمایندگان آنان باید به تصمیماتی رسند که به سود مشترک ختم می‌شود. در حالی که در حکومت

استبدادی قدرت متمرکز و در دست عده کمی از اعضاء بوده و عملاً امکان مشارکت همه گروه‌ها ممکن نیست در نتیجه محدود ساختن و کنترل قدرت صورت نمی‌گیرد.

در روند پلورالیسم برای رسیدن به وحدت باید ابتداء همگی با یک مقدار حداقل از خواسته‌ها توافق کنند. در اصطلاح علمی این توافق حداقلی را کونسensus (Consensus Omnium) به وسیله این توافق گروهی جامعه در اصول کلی و اساسی متحد می‌شود. بقیه مسائل یا خواسته‌های گروهی که مورد مشاجره است به وسیله گفتگو و بدون اعمال زور به مباحثه گذارده می‌شود.

در سطح بین‌المللی تأسیس سازمان ملل متحد قدم مؤثری جهت وحدت و اتحاد ملل بود، باوجود این که رویه "نبرد و پیروزی" در دموکراسی و در نظام بین‌المللی باقی ماند. شواهد آن را به بهترین وجه در سیاست‌های داخلی و روابط بین‌المللی می‌توان یافت.

در مقایسه جوامع سنتی با جامعه مدرن واضح گشت که روش رسیدن به وحدت در جوامع سنتی سلطه و حکمرانی بود و راه رسیدن به آن مبارزه و پیروزی، در حالی که جامعه مدرن شعارش وحدت در کثرت است و وصول به آن از طریق معامله و مذاکره و قرارداد است. با وجود پیشرفت‌های شگرف روش "نبرد و پیروزی" در دموکراسی باقی می‌ماند.

در دموکراسی‌های کنونی احزاب با مبارزه انتخاباتی به قدرت می‌رسند. هر حزبی باید خود را قوی و دیگری را تضعیف نماید. در پس گفتگوها نیز رویه سنتی "نبرد و پیروزی" پنهان است. در سیستم اقتصاد کنونی جهان که بر اساس نئولیبرالیسم است، نبرد و پیروزی جهت افزایش سود نقش پررنگتری یافته و نتیجه آن گسترش فقر در جهان و تراکم ثروت در دست تعداد قلیلی است. در صحنه روابط بین‌المللی نیز با وجود موفقیت‌های سازمان ملل متحد در بسیاری از زمینه‌ها مبارزات خشونت آمیز و مسلحانه یعنی جنگ و قتل و خونریزی همچنان ادامه دارد. در واقع در زمینه سیاست و دموکراسی، جهش کامل از سنت به مدرنیته هنوز تحقق نیافته و یکی از موانع اصلی روش سنتی "نبرد و پیروزی" است.

"وحدت در کثرت" در نظام بهائی

در بطن پیام حضرت بهاءالله جهان‌بینی نوینی نهفته است. هدف نهائی تعالیم بهائی این است که بشریت را به مرحله بالاتری از تکامل و رفاه سوق دهد. در محور این تحوّل خاتمه بخشیدن به روش سنتی "نبرد و پیروزی" و جایگزین ساختن آن به وسیله روش نوینی است که در محور آن مشورت و شفقت قرار دارد.

وجود علائق و عقاید مختلف یک واقعیت اجتماعی است. رو در رو شدن علائق و عقاید گوناگون شرط عدالت است. به فرموده حضرت عبدالبهاء:

«بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است». (۴)

پیروزی هنگامی است که گفتگو با مشورت و شفقت و خیرخواهی توأم باشد و شرکت کنندگان در گفتگو همه راضی بوده و توافقی عادلانه که آن را می‌توان قراردادی نامید، صورت گیرد نه به وسیله اجبار و زور. از این رو در تعالیم بهائی وحدت یا توافق مترادف است با اتحاد عاطفی بین افراد یک جامعه و بین اقوام و ملل جهان. به این وسیله جامعه بهائی می‌کوشد تنش و تناقضی که بین دو اصل وحدت و کثرت موجود است را برطرف سازد.

حضرت بهاءالله خطاب به اهل عالم می‌فرمایند:

«سراپرده یگانگی بلند شد به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید... همه باریک دارید و برگ یک شاخسار... عالم یک وطن محسوب و من علی الارض اهل آن...». (۵)

ترک کردن و به کنار گزاردن روش سنتی یعنی "مبارزه و پیروزی" و به کارگیری روش جدید یعنی توافق از راه گفتگو و مشورت همراه با شفقت می‌تواند روابط انسانی را در تمام سطوح جامعه تحوّل بخشد. در برخورد افراد با یکدیگر، در خانواده، در روابط سیاسی و روابط بین‌المللی.

حضرت عبدالبهاء در یکی از آثار خود که به "هفت شمع وحدت" معروف است و در سال‌های اولیه قرن بیستم نگاشته‌اند، هنگامی که مسئله جهانی شدن به صورت کنونی مطرح نبوده، شرح می‌دهند که در گذشته وسائل و وسائط اتحاد موجود نه و در نتیجه تبادل افکار غیر ممکن بود «اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسۀ عالم حکم یک قطعه

یافته». و سپس شرح می‌دهند که سرنوشت ممالک و اقوام چگونه به یکدیگر وابسته است و پس از شرح و بسط موضوع می‌فرمایند:

«لهذا اتفاق کُلّ و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیته دیگر دارد این است که ملاحظه می‌نمائی در هر روزی معجزه جدیدی می‌نماید و عاقبت در انجمن عالم شمع‌های روشنی برافروزد و مانند بارقه صبح، این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته».

در ادامه مطلب پدیده‌های جدید وحدت را به افروختن شمع‌هایی توجیه می‌کنند که افق عالم را روشن‌تر می‌سازد و هفت شمع وحدت عبارتند از:

«شمع اول وحدت سیاسی است که جزئی اثری از آن ظاهر شده. و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد. و شمع سوم وحدت آزادی است آن نیز قطعاً حاصل گردد. و شمع چهارم وحدت دینی است این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم به قوت الهیه جلوه نماید. و شمع پنجم وحدت وطن است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز به نهایت قوت ظاهر شود جمیع عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند. و شمع ششم وحدت جنس است جمیع من علی الارض مانند جنس واحد شوند. و شمع هفتم وحدت لسان است یعنی لسانی ایجاد گردد که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعاً قطعی الحصول است زیرا قوتی ملکوتی مؤید آن...» (۶)

حضرت ولیّ امرالله در کتاب نظم جهانی بهائی که منتخباتی از آثار ایشان است، بخشی را به وحدت در کثرت اختصاص داده و در آنجا به این مطلب اشاره می‌فرمایند:

«برای آن که راجع به مقاصد حیات بخش آئین جهان آرای حضرت بهاءالله سوء تفاهمی در میان نیاید، باید گفت که امر بهائی مقصدش هرگز آن نیست که شالوده جامعه کنونی عالم را زیر و زبر نماید بلکه آن است که بنیانش را وسعتی بیشتر بخشد و به مؤسساتش شکل تازه‌ای دهد که موافق و مطابق با حوائج این جهان دائم‌التغییر باشد. تعالیم و قوانین حضرت بهاءالله با هیچ تابعیت و سرسپردگی مشروعی تناقض ندارد و وفاداری‌های اساسی را تضعیف نمی‌کند. مقصدش آن نیست که شعله وطن دوستی معقول و خردمندانه را در دل‌های مردمان خاموش سازد یا نظام

خودمختاری ملی را از میان بردارد زیرا هم با آفت مرکزیت افراطی در اداره امور و هم با متحدالشکل و یکنواخت بودن شئون عالم مخالف است. کلید رمزش شعار وحدت در کثرت است». چنان که حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«ملاحظه نمائید گل‌های حدائق هر چند مختلف‌النوع و متفاوت‌اللون و مختلف‌الصّور و الاشکالند ولی چون از یک آب نوشند و از یک باد نشو و نما نمایند و از حرارت و ضیاء یک شمس پرورش نمایند، آن تنوع و اختلاف سبب ازدیاد جلوه و رونق یکدیگر گردد». (۷)

در کتاب مناجات‌های حضرت بهاء‌الله چند لوح با اسم الواح اتحاد و محبت وجود دارد که جمال مبارک در آن مقصود از اتحاد را ذکر می‌کنند و مختصراً به صورت فهرست وار می‌فرمایند مقصود از اتحاد در چه مسائلی است. (۸)

- اتحاد در دین: اساس ادیان الهی یکی است.

- اتحاد در قول و عمل: قبول اصول کلی اخلاقی و عمل به آن:

«از جمله ناصر حقّ بیان بوده و هست. در این ظهور اعظم اعمال و اخلاق جنود حقّند و به نصرت مشغول. بیان اگر به اندازه گفته شود رحمت الهی است و اگر تجاوز نماید سبب و علت هلاک. در الواح کلّ را وصیت فرمودیم به بیاناتی که طبیعت و اثرشیر در او مستور باشد تا اطفال عالم را تربیت نماید و به حدّ بلوغ رساند».

- اتحاد مقام: برابری انسان‌ها:

«از جمله اتحاد مقام است و اوست سبب قیام امر و ارتفاع آن مابین عباد. برتری و بهتری که به میان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت. نفوسی که از بحر بیان رحمن آشامیده‌اند و به افق اعلیٰ ناظرند باید خود را در یک صقع و یک مقام مشاهده کنند. اگر این فقره ثابت شود و به حول و قوه الهی محقق گردد، عالم جنت ابهی دیده شود. بلی انسان عزیز است چه که در کلّ آیه حقّ موجود و لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائی است کبیر».

- اتحاد نفوس و اموال:

«این اتحاد، اتحادی است که منبع فرح و سرور و بهجت است لو هم یفقهون و یعلمون. این هم به کلّ نفوس راجع است. و از این اتحاد مواسات ظاهر و این مواسات در کتب الهی از قبل و بعد محبوب بوده و هست و این مواسات در مال است نه در دوش نه در فوقش».

برخی از ناظرین، تعالیم و آرمان‌های دیانت بهائی را افکاری پسندیده ولی غیر قابل اجرا می‌دانند. باید به این نکته اشاره کرد که تعالیم بهائی چارچوب اخلاقی و ارزش‌های بنیادین را تعیین می‌کند و بر اساس این ارزش‌ها باید روش‌های عملی و جدیدی را ابداع نمود. دموکراسی و جامعهٔ مدرن را می‌توان در تحت این تعالیم تکامل داد و روش‌های عادلانه‌تری را جایگزین روش سنتی "مبارزه و پیروزی" نمود.

هدف بهائیان ایده‌آلی خیالی و یوتوپیا Utopia یا شهر "نیست در کجا" نبوده، بلکه یک راه است، پراز مسئولیت. و بر ما است که با یافتن راهکارهای جدید این راه پرفراز و نشیب را با عزمی راسخ قدم به قدم طی کنیم. در این راه آثار بهائی توشه‌های لازم را همراه ما می‌سازد از جمله این دو بیان که سرلوحه فعالیت‌های بهائیان است:

«مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق». (۹)

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

«بکشید که آثار اختلاف را از روی زمین زائل نمائید و انوار اتحاد را بین عباد ساطع و لائح کنید». (۱۰)

یادداشت‌ها

(صفحات عنوان شده در یادداشت‌ها مطابق نسخه کتاب‌هائی است که در کتابخانه اینترنتی مراجع و آثار بهائی موجود است).

- ۱- ندا به اهل عالم، مؤسسه معارف بهائی کانادا، ۱۹۹۳، ص ۳۳.
- ۲- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ج ۲، ص ۲۶۵.
- ۳- *The Open Society and its Enemies*
- ۴- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ج ۴، ص ۱۵۳.

- ۵- نظم جهانی بهائی، مؤسسہ معارف بهائی کانادا، ۱۹۹۵، ص ۵۷.
- ۶- نظم جهانی بهائی، ص ۵۳.
- ۷- نظم جهانی بهائی، ص ۵۶.
- ۸- ادعیه حضرت محبوب، ص ۳۹۱.
- ۹- منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، ص ۱۶۳.
- ۱۰- مکاتیب حضرت عبدالبهاء، ج ۱، ص ۲۳۴.